لیست کامل اصطلاحات سریال فرندز

ردیف	اصطلاح	ترجمه فارسی
۱	Hang out	با کسی یا در مکانی وقت گذراندن
۲	live off somebody/something	خرج زندگی خود را از کسی یا چیزی بدست آوردن
۳	Give someone a break	دست از سر کسی برداشتن
۴	On the table	درنظرگرفتن/ مدنظر قرار دادن
۵	Mother-to-be	کسی که به زودی مادر می‌شود.
۶	Go through something	دوران یا اوضاع سختی را گذراندن
۷	Get over somebody/something	با چیزی یا کسی کنار آمدن/ بر چیزی یا کسی غلبه کردن
۸	Pass on something	بیخیال شدن/ رد کردن
۹	Bring someone down	کسی را دلسرد کردن/ کسی را ناراحت کردن
۱۰	All of a sudden	یک دفعه / ناگهان
۱۱	freak out	ترسیدن / از خود بی خود شدن
۱۲	Hitting on somebody	مخ کسی را زدن / لاس زدن با کسی
۱۳	Get screwed	به فنا رفتن
۱۴	Get through something	از پس چیزی برآمدن / کنار اومدن با مسئله‌ای
۱۵	Have a crush on somebody	خاطرخواه کسی بودن / کراش داشتن رو کسی
۱۶	Word of advice	یک نصیحت
۱۷	be through with something	به پایان رساندن کاری
۱۸	Here is the deal	داستان از این قراره
۱۹	Roll with the punches	کنار آمدن با شرایط دشوار
۲۰	What have you been up to?	چه خبرا چیکارا میکنی؟
۲۱	End up	منتهی شدن
۲۲	Maid of honour	ساقدوش عروس
۲۳	Figure out	فهمیدن / سنجیدن
۲۴	Hold on a second	یه لحظه صبر کن
۲۵	Let it go	بیخیال شو
۲۶	The bottom line	خلاصه کلام / لب مطلب
۲۷	Take shot	ضربه زدن / ایراد گرفتن
۲۸	Stand somebody	تحمل کردن کسی

۲۹	**Take mind off**	منحرف کردن عمدی ذهن از چیزی
۳۰	**Pass on**	بیخیال شدن از قضیه یا موضوعی
۳۱	**In reference to**	در اشاره به / عطف به
۳۲	**Give up**	تسلیم شدن
۳۳	**Spy on**	جاسوسی کردن / کسی را دید زدن
۳۴	**Never mind**	اهمیت نداره / بیخیالش
۳۵	**Break up with someone**	بهم زدن رابطه با کسی
۳۶	**Live on my own**	روی پای خود وایسادن
۳۷	**Work out**	نتیجه دادن / موفق شدن
۳۸	**Out of order**	از کار افتاده / از رده خارج شده
۳۹	**Unattainable**	دست نیافتنی
۴۰	**Blow something**	گند زدن / خراب کردن
۴۱	**Blacked out**	خاموش
۴۲	**Bunch of**	تعدادی
۴۳	**Step back**	کنار کشیدن / پا پس کشیدن
۴۴	**Second to last**	یکی مونده به آخر
۴۵	**Lay the groundwork**	زمینه سازی کردن
۴۶	**On second thought**	حالا که فکرشو میکنم
۴۷	**Hand me**	بهم بده / بدش من
۴۸	**Out of your league**	لغمه بزرگتر از دهن
۴۹	**Drive someone crazy**	عصبانی کردن / دیوانه کردن
۵۰	**I’m with you**	باهات موافقم
۵۱	**By all means.**	با کمال میل
۵۲	**Tidy up**	مرتب کردن
۵۳	**Lose track of time**	گذشت زمان را حس نکردن
۵۴	**No big deal**	چیز مهمی نیست
۵۵	**Trick question**	سوال انحرافی
۵۶	**How come**	چرا؟ / چطور شده که؟
۵۷	**Out of sorts**	بی دل و دماغ / بی حوصله
۵۸	**Kick someone’s butt**	حال کسی را گرفتن / شکست دادن
۵۹	**Moral obligation**	وظیفه اخلاقی
۶۰	**Swoop in**	وارد عمل شدن

۶۱	Sick of	خسته شدن از چیزی
۶۲	Go away	ترک کردن / دور شدن
۶۳	You are one to talk	یکی باید به خودت بگه
۶۴	Tit for tat	این به اون در
۶۵	Come clean with someone	صادق بودن با کسی
۶۶	Certain point	نقطه مشخص / زمان مشخص
۶۷	Don’t you dare	جراتش رو نداری
۶۸	Bail on somebody	دبه کردن / سرکار گذاشتن کسی
۶۹	Throw up	بالا آوردن / استفراغ کردن
۷۰	Compared to	در مقایسه با
۷۱	Seal the deal	معامله را جوش دادن
۷۲	Aptitude test	تست استعدادیابی
۷۳	Cheer someone up	حال کسی را خوب کردن
۷۴	Turn around	رو برگرداندن / دور زدن
۷۵	Yummy noises	به به و چه چه ها
۷۶	Act out	به نمایش گذاشت
۷۷	Get along	با هم کنار آمدن
۷۸	Lay off	اخراج کردن
۷۹	Sweetheart	عزیزم
۸۰	Little tip	نکته کوچک
۸۱	In case of emergency	در مواقع اضطراری
۸۲	Take your time	عجله نکن / فکرهاتو بکن
۸۳	You got me	دستمو خوندی / مچمو گرفتی
۸۴	Run low on something	رو به اتمام بودن چیزی
۸۵	be over someone	بیخیال کسی شدن
۸۶	Lame excuse	بهونه الکی
۸۷	Damn it	لعنت بهش
۸۸	Don’t be silly	احمق نباش / چرند نگو
۸۹	Make someone’s toes curl	دل کسی را لرزاندن
۹۰	So long as	مادامی که
۹۱	Take care of someone	از کسی مراقبت کردن
۹۲	Roll over	غلتاندن

۹۳	From now on	از الان به بعد
۹۴	How did it go?	چطور پیش رفت
۹۵	Grow up	بزرگ شدن / عاقل و بالغ شدن
۹۶	Ring a bell with someone	کسی را یاد چیزی یا شخصی انداختن
۹۷	Not necessarily	نه لزوما
۹۸	Do someone	ادای کسی را در آوردن
۹۹	Drop it	بیخیال چیزی شدن
۱۰۰	Be in charge	مسئول بودن
۱۰۱	Save it	ساکت شو
۱۰۲	Rip out	درآوردن / کندن
۱۰۳	Look like somebody	شبیه کسی بودم
۱۰۴	Nod off	ناخواسته به خواب رفتن
۱۰۵	Not following you	متوجه منظورت نمیشم
۱۰۶	Cost a fortune	خیلی گرون بودن
۱۰۷	Deal with someone	با کسی حل و فصل کردن
۱۰۸	Bully	آدم قُلدر و گردن کلفت
۱۰۹	weenie	آدم ترسو و بزدل
۱۱۰	That’s why	به همین دلیل / به همین خاطر
۱۱۱	standing our ground	کوتاه نیامدن / سر حرف خود ایستادن
۱۱۲	Apparently	ظاهرا
۱۱۳	guys	بروبچ / یک گروه مردانه یا زنانه
۱۱۴	Stuff	چیزها
۱۱۵	sucks	خیلی بد و مزخرف
۱۱۶	satisfied	راضی / رضایت
۱۱۷	temp job	کار موقتی
۱۱۸	Anyway	بگذریم
۱۱۹	I don’t care	برام مهم نیست
۱۲۰	Get out of the game	رها کردن / بیرون آمدن
۱۲۱	On the same page	هم عقیده بودن
۱۲۲	Get cold feet	جا زدن لحظه آخر
۱۲۳	In the zone	غرق چیزی شدن
۱۲۴	Hit the jackpot	موفق شدن

۱۲۵	**Bite the bullet**	تاب آوردن
۱۲۶	**Break a leg**	موفق باشی
۱۲۷	**Rain check**	تعویق در کاری
۱۲۸	**Hang in there**	سخت تلاش کردن
۱۲۹	**Jump the gun**	عجله کردن
۱۳۰	**Put a sock in it**	دهنتو ببند
۱۳۱	**Slowpoke**	آدمی که دیر حاضر میشه / کُند دست
۱۳۲	**Hang up**	تلفن را قطع کردن
۱۳۳	**First of all**	اولا / اول اینکه
۱۳۴	**Second of all**	دوما / دوم اینکه
۱۳۵	**I swear to God**	به خدا قسم
۱۳۶	**Adam’s apple**	برآمدگی گلو در آقایان / طبق افسانه ها وقتی آدم سیب ممنوعه را میخوره تو گلوش گیر میکنه
۱۳۷	**Mess with someone**	سر به سر کسی گذاشتن
۱۳۸	**I don’t buy it**	باور نمیکنم
۱۳۹	**You bet**	حتما / مطمئن باش
۱۴۰	**Check out**	نگاه کردن / چک کردن
۱۴۱	**Whip out**	بیرون آوردن / سریع برداشتن
۱۴۲	**Hook up with someone**	با کسی رابطه برقرار کردن
۱۴۳	**Cut out**	کنار گذاشتن / ول کردن
۱۴۴	**In a nutshell**	لب مطلب / به طور خیلی مختصر
۱۴۵	**Mess up**	گند زدن / خراب کردن
۱۴۶	**Swell up**	وِرم کردن / باد کردن قسمتی از بدن
۱۴۷	**Consider it done**	خیالت تخت / حتما انجامش میدم
۱۴۸	**Opt for**	انتخاب کردن
۱۴۹	**Way to go**	احسنت / آفرین
۱۵۰	**This ship has sailed**	کار از کار گذشته
۱۵۱	**Love triangle**	مثلث عشقی
۱۵۲	**Pros and cons**	نقاط قوت و ضعف
۱۵۳	**For God’s sakes.**	به خاطر خدا
۱۵۴	**to be all ears**	سر و پا گوش بودن / به دقت گوش کردن
۱۵۵	**Make sense**	منطقی به نظر رسیدن
۱۵۶	**Go through**	تجربه کردن

۱۵۷	Hop in	بپر بالا
۱۵۸	Toy with	بازی درآوردن
۱۵۹	None of my business	به من ربطی نداره
۱۶۰	Bittersweet	همزمان شاد و غمگین
۱۶۱	Set free	آزاد کردن
۱۶۲	Other than	به جز اینکه / غیر از
۱۶۳	be proud of someone	افتخار کردن به کسی
۱۶۴	Plan out	با دقت برنامه ریزی کردن
۱۶۵	whack job	خُل و چِل
۱۶۶	Back up	عقب رفتن / عقب کشیدن
۱۶۷	Get off the track	از بحث اصلی خارج شدن
۱۶۸	Blow someone off	بی محلی کردن
۱۶۹	Sell someone out	خیانت کردن
۱۷۰	You don’t have the guts	جراتش را نداری
۱۷۱	That’s your call	تصمیم با خودته / خود دانی
۱۷۲	Hang in there	طاقت بیار / صبور باش
۱۷۳	Make it up to somebody	جبران کردن
۱۷۴	Fine with me	از نظر من خوبه / مشکلی ندارم
۱۷۵	Get out	گمشو
۱۷۶	Turn out	معلوم شدن
۱۷۷	Piss somebody off	عصبانی کردن کسی
۱۷۸	be into something	علاقمند بودن به چیزی / اهل چیزی بودن
۱۷۹	It’s your turn	نوبت توئه
۱۸۰	Rock paper scissors	سنگ کاغذ قیچی
۱۸۱	Freak of nature	عجیب الخلقه
۱۸۲	That’s it	دیگه کافیه
۱۸۳	Pull something off	از عهده کاری دشوار برآمدن
۱۸۴	Knock it off	دست بردار دیگه
۱۸۵	Out of the blue	ناگهانی / غیرمنتظره
۱۸۶	Take it easy	خونسرد باش / جوش نزن
۱۸۷	By the way	به هر حال / ضمنا
۱۸۸	Flip for it	شیر یا خط انداختن

۱۸۹	**Your mind wanders**	خیال پردازی کردن
۱۹۰	**Go off to somewhere**	به جایی رفتن
۱۹۱	**For a while**	برای مدتی
۱۹۲	**be on the same page**	با هم توافق داشتن
۱۹۳	**Stock market**	بازار سهام
۱۹۴	**Time is money**	وقت طلاست
۱۹۵	**Hard to say**	گفتنش سخته
۱۹۶	**Stand one’s ground**	روی حرف یا موضع خود ایستادن
۱۹۷	**Supposed to be**	قرار بود که / قرار است
۱۹۸	**My goodness**	خدای من
۱۹۹	**Set up**	ترتیب دادن / راه اندازی کردن
۲۰۰	**Yell at someone**	سر کسی داد زدن

ZabanStation.ir